



هسته بازار یابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

CENTER FOR POLITICAL MARKETING STUDIES

نخستین مناظره انتخابات

ریاست جمهوری چهاردهم



فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
۱. آرایش مناظره: دو، دو، یک، یک.....	۲
۲. استراتژی انتخاباتی هر کاندیدا.....	۳
۱-۲. جلیلی: استراتژی مبارز آگاه.....	۳
۲-۲. قالیباف: استراتژی شمشیر انداخته.....	۴
۳-۲. پزشکیان: استراتژی حمله به دشمن خیالی.....	۵
۴-۲. پورمحمدی: استراتژی شورش علیه برنامه و کارنامه.....	۵
۵-۲. زاکانی و قاضی زاده: استراتژی حمله پیش‌دستانه.....	۷
۳. چالش‌ها و احتمالات در مناظرات آینده.....	۷
۴. جمع‌بندی.....	۸

نخستین مناظره انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم

مقدمه

مرور انتخابات ریاست جمهوری گذشته به خصوص از سال ۱۳۸۴ به بعد نشان می‌دهد که مناظرات عرصه خوبی برای تقویت و بازنمایی کنترل شده ظرفیت‌هاست. چنانکه مناظرات ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ در خاطرات جمعی به صورت تقریباً واضحی به یاد مانده است. مناظرات اساساً می‌تواند (۱) فضای رقابت را تشدید نماید و رأی‌دهندگان را به مشارکت ترغیب کند، (۲) تمایزات را نشان داده و امکان انتخاب را تسهیل نماید، (۳) مسئله‌سازی کرده و امکان مقایسه راه‌حل‌ها را فراهم آورد و (۴) شناخت را شکل داده و تصویرسازی نماید. البته کاندیداهایی می‌توانند از چنین ظرفیتی برخوردار گردند که دارای توان رتوریک سیاسی باشند، در واقع لازم است کاندیدا فارغ از توانمندی مدیریتی و اجرایی، سخنور خوبی باشد و از اطلاعات کافی نیز برخوردار باشد. به این جهت بررسی مناظرات می‌تواند در ضمن ارائه ارزیابی واقع‌بینانه از کاندیدها، آرایش و گفتمان سیاسی ایشان را مشخص نماید و این امکان را برای رأی‌دهندگان فراهم کند که بدون غلبه فضای کلامی-اقتناعی به صورت منطقی تصمیم بگیرند و همچنین کاندیدها و مشاورانشان می‌توانند در ضمن ارزیابی عملکرد خود و دیگر کاندیدها، نسبت به اصلاح کنشگری و بهبود تصویر خود اقدام نمایند. در همین خصوص هسته بازاریابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام در جهت تحقق رسالت خود، بهبود نظام انتخاباتی ایران، می‌کوشد تحلیل واقع‌بینانه و غیرجانبدارانه‌ای در چارچوب علم بازاریابی سیاسی از این رخداد منحصر بفرد ارائه نماید.

مناظره نخست انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری در حالی برگزار می‌شد که (۱) زمان مناسبی برای برگزاری آن انتخاب نشده بود، (۲) سوالات به صورت ضبط شده و در قالبی کلی و بعضاً مبهم طراحی شده بود، (۳) محتوای سؤالات با زبان و خواست مردم، فاصله داشت؛ (۴) واکنش‌های اغلب، نامرتبط کاندیدها با محورهای مطرح شده و سوالات کارشناسی، چارچوب حاکم بر فضای مناظره را سلخته ساخته و (۵) ریتم کُند، کلی‌گویی‌ها، محافظه‌کاری متأثر از مناظره اول بودن و مواردی از این دست، باعث شده بود که مناظره کارکردهای خود را نداشته باشد. در این مناظره امکان تمایز برای مخاطبان چندان فراهم نشد و مسئله اساسی از سوی کاندیدها طرح نگشت. به نظر می‌رسد ادامه چنین فضایی در عین درگیری مخاطبین با فضاهایی چون جام ملت‌های اروپا می‌تواند تا حدود قابل توجهی از شمار بینندگان نیز بکاهد. اگرچه مناظره درست مناقشه نیست، اما باید امکان مقایسه وجود داشته باشد، مسئله‌ای که به نظر در دور نخست چندان محقق نشد.

۱. آرایش مناظره: دو، دو، یک، یک

اگرچه مناظره اول بیشتر جنبه ارزیابی دارد و کاندیدها صبورانه‌تر برخورد می‌کنند، اما برخی کاندیدها نیز در تلاش بودند تا هویت برخی از کاندیدهای دیگر را مشخص نمایند. به صورت مشخص آقایان قاضی‌زاده و زاکانی تلاش کردند تا در ضمن ایجاد فاصله با آقای پورمحمدی و نقد صحبت‌هایش در خصوص راه‌حل اقتصادی ایشان (حل مشکلات اقتصادی به واسطه حل تحریم‌ها)، موضع رقیب را مشخص نمایند. اگرچه این دو نامزد در قبال آقای پزشکیان نیز موضع مشترک و واحدی داشتند، اما این واکنش جنبه ارزیابی و محک‌نداشت، بلکه مقابله‌ای بود. مسئله‌ای که پس از تعیین موقعیت پورمحمدی، از واکنش ارزیابانه به واکنش مقابله‌ای تبدیل شد. واکنش مقابله‌ای آقایان زاکانی و قاضی‌زاده در قبال آقایان پزشکیان و پورمحمدی تا انتهای مناظره حفظ شد. این دو کاندیدا تلاش داشتند در ضمن انتقاد از دولت روحانی و گفتمان ایشان از دستاوردهای دولت شهید رئیسی حمایت نمایند. اما گاهی آقای زاکانی به صورت فردی تلاش داشت انتقادهایی نیز به آقای قالیباف داشته باشد، انتقادات و تنش‌ها که می‌تواند در ادامه پررنگ‌تر نیز شود، چنانکه در موضوع نقدینگی و اثرات آن، آقای زاکانی در تلاش بود نظر آقای قالیباف را غیرکارشناسانه و سطحی قلمداد نماید.

پورمحمدی اگرچه پیش از مناظره به دلیل انتساب‌شان به جامعه روحانیت مبارز و سابقه امنیتی‌شان تا حدودی پیش‌بینی ناپذیر قلمداد می‌شد، اما با آغاز مناظرات نشان داد در تلاش است تا نقش «حسن روحانی» در انتخابات ۱۳۹۲ را بازنمایی کند؛ از این رو، خود را به پزشکیان نزدیک کرده و تلاش داشت در مواضع خود با او هم‌پوشانی داشته باشد. پورمحمدی تلاش کرد چندان درگیر سخنان زاکانی و قاضی‌زاده نشود، علی‌الخصوص به خطابه‌های مستقیم آقای زاکانی نسبت به خود، پاسخی نمی‌داد. اما به صورت کلی تلاش داشت که چهار نفر غیر از آقای پزشکیان را در یک جناح قرار داده و نسبت به آنها انتقاد کند. ظاهراً پورمحمدی تمایل داشت که به مقابله با آقای قالیباف بپردازد، چنانکه در یک مورد مستقیماً از او نام برد. اما تلاش او جزئی بوده و باید دید در مناظرات بعد به چه صورت خواهد بود. پزشکیان اما با تحفظی بیشتر تلاش کرد جو حاکم بر مناظره اول را حفظ کرده و آن را تغییر ندهد، از این رو آرام از کنار برخوردهای شدید زاکانی و قاضی‌زاده گذشت. حتی با وجود اینکه هر دو تصریح نمودند «متوجه نمی‌شویم چرا کسی که برنامه هفتم را قبول ندارد و می‌خواهد دولت را کارشناسان اداره کنند و توان تشخیص نظر درست را از میان سخنان ندارد، کاندیدای ریاست جمهوری شده است!» پزشکیان با اکتفا به سخنانی کلی در خصوص وجود امکان‌هایی برای مقابله و تخریب، سعی کرد در این مناظره برخورد مقابله‌ای و تند نداشته باشد. اگرچه تلاش زاکانی و قاضی‌زاده از بین بردن سبب رأی پزشکیان بود، اما پزشکیان تلاش می‌کرد با حفظ آرامش خود از سبب آنان بکاهد و بر سبب خود بیافزاید. به گونه‌ای که در یک مورد با ذکر دو گزاره در خصوص «حل سه روزه مشکل بورس» و «انتساب آن به آقای قاضی‌زاده و ایجاد اشتغال با یک میلیون

تومان» و انتساب آن به دوستان آقای قاضی‌زاده (و احتمالاً کارگزاران دولت شهید رئیسی)، سعی نمود تا ضمن کاهش اعتبار قاضی‌زاده بر آرای خود بیافزاید. باید توجه داشت که انتخاب این دو گزاره که نسبتاً در پایگاه رأی انقلابی قابل قبول است و به عنوان انتقادهای درون گفتمانی مطرح است، می‌تواند تاحدودی از سبد حامیان آقای قاضی‌زاده و جریان انقلاب بکاهد.

در این مناظرات دو کاندیدا نیز به صورت یک نفره وارد شده بودند و تلاش داشتند تا در هیچ مناقشه‌ای مشارکت نکنند. آقایان قالیباف و جلیلی تلاش کردند تا در ضمن حفظ اصول خود و بیان مطالب مدنظر، از درگیری‌های ارزیابانه و مقابله‌ای به دور باشند، چنانکه از لحاظ شخصیتی نیز این واکنش‌ها از سوی ایشان بعید به نظر می‌رسید. البته هر دو در خصوص موضع پورمحمدی در بحث سیاست خارجی، واکنش کنترل شده‌ای نشان داده و تلاش کردند تا مناظرات مشابه سال ۱۳۹۲ وارد دوگانه موافقان و مخالفان تحریم نشود. در ضمن این واکنش قالیباف ماجرای لزوم رفع خود تحریمی داخلی را مورد اشاره قرار داد و جلیلی ضمن اشاره به پیامدهای تصمیمات گذشته در این خصوص عنوان داشت که دولت شهید رئیسی مثال نقض شرایط تصویر شده از سوی پورمحمدی است. تصور پیش از مناظره و برداشت دوگانه کارنامه-برنامه می‌توانست این ذهنیت را ایجاد کند که این دو کاندیدا تاحدودی نیز در مقابله با هم سخن گفتند، اما بررسی سخنان هرکدام از ایشان و همچنین مواضع مشترک آنها گواه آن است که چنین مقابله‌ای وجود نداشته است.

بنابراین آرایش این مناظره به صورت دو (زاکانی و قاضی‌زاده)، دو (پزشکیان و پورمحمدی)، یک (قالیباف)، یک (جلیلی) بود.

۲. استراتژی انتخاباتی هر کاندیدا

۱-۲. جلیلی: استراتژی مبارز آگاه



سعید جلیلی همچنان در زبان رسانه و گفتگو با توده مردم عملکرد موفقی ندارد. این ضعف او در مناظرات که در معرض مقایسه با کاندیداهای دیگر قرار دارد بیشتر به چشم آمده و از او یک کنشگر خنثی می‌سازد؛ به خصوص که له یا علیه کسی نیز موضعی نمی‌گیرد تا حداقل از

این طریق ضریب رسانه‌ای بگیرد. جلیلی کاملاً در چارچوب استراتژی کلان خود در خصوص برنامه داشتن سخن می‌گوید و چندان به زمین بازی مناظره و مخاطب التفاتی ندارد، البته به نظر دغدغه ایشان بیان کار کارشناسی و دوری از نزاع و مناقشه بی‌اثر است. هرچند متانت و اخلاق جلیلی نسبت به سایر نامزدها بارز است ولی برای تمایز کفایت نمی‌کند. چه اینکه این تمایز کف انتظار مخاطب از کاندیدا است و نه سقف آن. مزیت جلیلی برنامه محور بودن آن است اما وقتی در مناظره همه کاندیداها درباره یک موضوع وعده و برنامه می‌دهند، برنامه داشتن مزیتی به شمار نمی‌رود و مخاطب توان ایجاد تمایز به واسطه داشتن برنامه نخواهد داشت. جلیلی در حفظ پایگاه سخت خود موفق بود ولی در جذب سبد آرای دیگران به نظر نمی‌رسد توفیق زیادی کسب کرده باشد.

۲-۲. قالیباف: استراتژی شمشیر انداخته

آقای قالیباف نسبت به دوره های قبل پختگی و سنگینی بیشتری در این انتخابات از خود نشان داده است که حضور در صدر مجلس نقش مهمی در این بهبود شخصیت سیاسی وی داشته است. در مناظره اول نیز نسبت به مسائل کشور تسلط خوبی به آمار و ارقام داشت. قالیباف در تبیین مسئله به صورت کمی و کیفی خوب است ولی در ارائه راه حل همه مسائل را نهایتاً به مدیر قوی گره می‌زند. تکرار بیش از حد عبارت «مدیر قوی» می‌تواند مخاطبین را دل‌زده کند. قالیباف در نقش کنشگر پیشتاز و محافظه کار عمل کرد و سعی نمود تا وارد منطقه نزاع نشود تا به این ترتیب خود را از آسیب‌های احتمالی دور نگه دارد. وی در هدف گرفتن آراء سایر نامزدهای جریان اصولگرا نه تلاش کرد و نه موفقیتی داشت اما به نظر می‌رسد صحبت‌های همدلانه او با پزشکيان بدون هدف نبوده است. قالیباف به خوبی می‌داند بخشی از سبد فعلی رأی پزشکيان قابلیت انتقال به سبد رأی خودش را دارد. به صورت کلی، قالیباف در راستای استراتژی خود، شمشیر انداخته، به خوبی توانست به سبد رأی پزشکيان چنگ



بزند و در عین حال وارد هیچ نزاع و مقابله‌ای نشود، از این رو تلاش کرد با یک اعتماد به نفس قوی وارد این مناظره شود. با این حال، مشاوران قالیباف باید این مهم را در نظر داشته و به او منتقل کنند که نزدیکی او به پزشکيان سبد آراء او در جبهه اصولگرایی را دچار لرزش خواهد ساخت؛ امری که بارقه‌های خفیف آن از دیشب در برخی محافل به چشم می‌آید.

۳-۲. پزشکيان: استراتژی حمله به دشمن خیالی

آقای پزشکيان نتوانست در مخاطبين خود حالت بسیج کنندگی ایجاد کرده و بخشی از آرای خاموش را به صحنه بکشاند. بخشی از آن به شخصیت خود پزشکيان بر می‌گردد. وی کاریزمای لازم را ندارد به همین منظور



کمپین او برای رفع این نقص، محمدجواد ظریف را به عنوان یک شخصیت کاریزما و محبوب، همراه پزشکيان کرده است تا شاید بتواند پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان ناامید را فعال کند. پزشکيان ضعف جدی در ارتباط کلامی دارد اما زبان ساده و عامیانه او رنگ و بوی صداقت داشته و این برای بخشهایی از توده

مردم جذاب است. در مناظره نخست پزشکيان سعی کرد با زبان ساده حرف‌های خود را منتقل کند، اما این سادگی زبان و کلی گویی در مقایسه مخاطبين به نظر چندان هم مثبت نباشد، البته او سعی دارد این نقص را با استفاده از مشاورانش (مانند ظریف) تا حدودی جبران کند. تناقض در جملات او بسیار و فعل و فاعل‌ها پراکنده است و جملات منقح نمی‌شود و مناظره برای پزشکيان در چارچوب، تاثیر بسزایی نخواهد داشت. هرچند به نظر می‌رسد او برای خروج از این قالب نیز سناریو دیگری را نیز در دستور دارد که چشمه‌ای از آن را در تهدید ضمنی زاکانی به «بگم بگم» در بخش پایانی سخنان خود نشان داد. به صورت کلی پزشکيان با استراتژی «حمله به دشمن خیالی» تلاش کرد تا با بیان مجموعه پراکنده‌ای از اشکالات موجود در کشور آنها را به دیگران نسبت داده و خود را متمایز کند، ما از ارائه ایده‌ای برای حل آنها یا تبیین نقش خود برای عبور از آنها سخنی به میان نیاورد. امری که مانع شکل‌گیری سبد رأیی متمرکز پیرامون او خواهد بود. به نظر می‌رسد باید بیشتر منتظر بود و دید در آینده مواضع ایشان چه تغییری می‌کند، البته ایشان در این مناظره در حفظ سبد رأی خود موفق بوده و با عصبانی نشدن (علی‌رغم ارزیابی‌های اولیه)، توانست بخشی از واکنش‌های مقابله‌ای از سوی آقایان زاکانی و قاضی‌زاده را نیز خنثی نماید.

۴-۲. پورمحمدی: استراتژی شورش علیه برنامه و کارنامه

پورمحمدی شورش بر ذهنیت مخاطبان از پایگاه راست سنتی بود. او تلاش کرد با فریاد و صدای بلند بگوید که من پورمحمدی دیگری هستم چه آنهایی که مرا می‌شناسند چه آنهایی که مرا نمی‌شناسند و اینگونه در ذهن



مخاطب خود را حک کرده و با تکانه شدید خود را از قعر نظرسنجی‌ها بیرون بکشد و در معرض توجه مخاطبان و کسانی که او را نمی‌شناسند قرار دهد. به همین جهت تلاش داشت ابتدا توجه مخاطبین را به شکوه و گلابه از زمین و زمان جلب و سپس تمایز خود را بیان کند. در مرحله اول او موفق بود و توانست شکوه و شکایت خود را ابراز کند اما از ایجاد تمایز

عاجز بود. چرا که در بخش اول هیاهو لازم بود ولی در بخش دوم نیازمند یک آرامش ذهنی برای مخاطب بود تا بتواند تمایز کاندیدا را درک و تحلیل کند ولی او با عصبیت همچنان ادامه می‌داد. استراتژی او در این مناظره شورش علیه برنامه‌ها و کارنامه‌ها بود تا همه آن‌ها را مقصر وضع موجود دانسته و با زیر سؤال بردن برنامه هفتم مصوب، آن را نیز بی‌خاصیت بیان کرد. تمام سخن او در یک کلمه خلاصه می‌شد و آن «اعتماد» بود. چالش اصلی عملکرد پورمحمدی در این مناظره چهره خشمگین، حرص خوردن و بالا بردن صدای او بود که بر خلاف انتظار او و مشاورانش به جای روحانی ۹۲ بیشتر کربوبی ۸۸ بازسازی شده است. نقطه ضعف دیگر پورمحمدی که در دیگر برنامه‌های او نیز دیده می‌شد و می‌تواند در ادامه آسیب بیشتری به او وارد کند. استفاده بی‌رویه او از واژه «من» و در یک کلام خودپسندی عیان و عریان است. هرچند او در این مناظره شکست نخورد، اما توفیق زیادی نیز کسب نکرد. با این حال، او توانست اولین ضربه را به قالیباف وارد کرده و مخاطب را آماده ضربات دیگر کند؛ امری که با توییت همزمان آن سخنان، نشانگر وجود یک طراحی مشخص دارد. به نظر می‌رسد پورمحمدی نادانسته در زمین مشاوران مشترک با پزشکیان عمل می‌کند؛ بهای تعابیر تند و حملات را او می‌دهد و منفعت و سبد رأی را دیگری می‌برد.

۲-۵. زاکانی و قاضی زاده: استراتژی حمله پیش‌دستانه



عملکرد قاضی زاده و زاکانی در این مناظره در یک امر مشترک بود و آن هم واکنش مقابله‌ای نسبت به پزشک‌ها برای ریزش سبد رأی او بود. همچنین قاضی زاده در دفاع از دولت شهید رئیسی خوب ظاهر شد و وقتی پزشک‌ها این دفاع جانانه را دید تا حدودی عقب نشینی کرد. قاضی زاده و زاکانی در جذب آراء سبد دیگر کاندیداها و آراء مردم عملکرد مؤثری نداشتند و بیشتر در نگه داشت جو علیه پزشک‌ها و تا حدودی پورمحمدی نقش ایفا کردند.



این دو نماینده برای جلوگیری از افزایش سبد رأی پزشک‌ها، تلاش کردند تا با استراتژی حمله پیش‌دستانه پورمحمدی و پزشک‌ها را مجبور به دفاع و ارائه موضع کنند. آنها تا حدودی در استراتژی اتخاذ شده موفق بودند، اما این راهبرد برای تداوم تأثیرگذاری نیاز به بازسازی، ترمیم و حتی تغییر محتوا متناسب با شرایط آینده انتخابات دارد.

۳. چالش‌ها و احتمالات در مناظرات آینده

به نظر می‌رسد آرایش مشترک پزشک‌ها و پورمحمدی به این نتیجه منجر شود که پورمحمدی واکنش‌های شدیدتری از خود نشان داده و مواضع تندتری را علیه برخی کاندیداها از جمله قالیباف اتخاذ نماید. به همین جهت ضروری است نامزدهای جریان انقلاب از خودزنی و تقابل درونی به شدت بپرهیزند؛ این امر در خصوص قالیباف اهمیت بیشتری دارد چرا که سبد رأی او اشتراک بیشتری با پزشک‌ها داشته و با تخریب او به نفع پزشک‌ها مصادره خواهد شد. این خطای راهبردی می‌تواند اسباب تکرار نتایج انتخابات ۱۳۹۲ را فراهم سازد.

قالیباف اگرچه باید مراقب ورود به نزاع‌های مناظراتی باشد، اما باید بداند که ادامه هم‌افزایی با پزشک‌ها و پورمحمدی، تدریجاً آراء او را از دو سر خواهد ریخت. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود پیش از آنکه هر کاندیدایی

به طمع سبد ایشان کاری کند، عرصه مناظرات را با دستور کارسازی تغییر داده و تلاش کند تا پیشنهادهای مشخصی را بیان کند تا در ضمن امیدواری بدنه رأی، تمایز خود را برجسته و عینی سازد. مشابه این وضعیت برای جلیلی نیز وجود دارد، با این تفاوت که سبد رأی جلیلی با توجه به نظرسنجی‌های همراه با ایشان، در سقف واقعیت قرار داشته و با وجود آقایان قالیباف و پزشکیان و مشارکت ۵۰ تا ۶۰ درصدی رأی‌دهندگان، چندان تغییر نخواهد کرد. به نظر می‌رسد، با توجه به لزوم تصمیم‌گیری در لحظه برای اجماع، حفظ زمینه‌های وقوع آن و پرهیز از اتخاذ موضعی که مانعی در این مسیر ایجاد می‌کند، یک راهبرد جدی است.

۴. جمع‌بندی

این گزاره تقریباً نادرست است که «مناظرات صرفاً موجب افزایش مشارکت می‌شوند». مناظرات می‌توانند با تقویت انگاره‌های پیشینی متأثر از رسانه‌ها یا مشکلات اقتصادی، بدون دستیابی به کارکرد آن، موجب کاهش مشارکت گردند. از این رو تداوم مناظرات با وضعیت کنونی، نه تنها به افزایش مشارکت منجر نشده بلکه حتی می‌تواند آن را کاهش دهد. به نظر می‌رسد تداوم استراتژی‌های محافظه‌کارانه از سوی قالیباف و جلیلی، دلالت‌هایی مبتنی بر ترس، انفعال و حتی قدرت طلبی را برجسته سازد، لذا خروج به موقع از این استراتژی در جای خود درست و ضروری است. کاندیداها باید باور داشته باشند که در ایام پیش رو امکان پدید آمدن هر وضعیتی وجود دارد، لذا نباید مغرورانه و بدون توجه به تمایزات خود کنشگری نمایند، در عین اینکه باید تمایز خود را به صورت برجسته نشان دهند. این نمایش تمایزات برای افرادی که سابقه کاندیداتوری داشته‌اند، اساسی‌تر است. زاکانی نیز باید توجه داشته باشد که تداوم استراتژی حمله پیش‌دستانه، پس از شروع حمله از سوی رقیب سالبه به انتفاء موضوع است، لذا باید تنوع تکنیکی بیشتری را در راهبرد خود ارائه دهد. چه اینکه پزشکیان عنوان داشت، ادامه این استراتژی می‌تواند منجر به ورود او به این نزاع شود؛ امری که عقل، اخلاق و قانون از آن پرهیز می‌دهند. اما قاضی‌زاده در نقش حامی دولت شهید رئیسی، موقعیت خوبی داشته و می‌تواند این استراتژی خود را با کاهش واکنش‌های مقابله‌ای و به جای آن بهره‌گیری از استراتژی‌های مطالبه‌ای و پرسشی به نفع انتخابات پرشور، ادامه دهد. به نظر می‌رسد، استراتژی کنونی پزشکیان برای مناظرات بعدی نیاز او به توسعه سبد رأی را برآورده نکرده و او ناگزیر از تغییر استراتژی در مناظرات آتی است. امری که با توجه به درک او از موقعیت قالیباف به عنوان جدی‌ترین رقیب، احتمالاً بیشتر در مواجهه با او رخ خواهد داد.





شماره مسلسل: ۰۳-۲۰۰۸

پژوهش‌های سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل نخستین مناظره انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم

تهیه کنندگان: مصطفی آفاجانی، سعید نادری اصل، حسن وکیل زاده

استاد هادی: دکتر محمدامین باقری

واژگان کلیدی: انتخابات، ریاست جمهوری، مناظره، بازاریابی سیاسی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۳/۲۹